



قریدار محمد سلیم بیک

فرستنده خرم بیک (سلیمی)



۴ جون ۲۰۲۱

سرزمین کوهستانی بدخشان در مجموع و از جمله ولسوالی شغنان آن، در طول تاریخ پر بار و کهن خویش، شخصیت ها و مردان نامداری را در دامنه های کوه پایه های خویش پرورانیده که تعداد کمی از آنها با کارنامه های شان درج تاریخ زرین گردیده و بعضی از دوستان قلم بدست ، با درک مسئولیت، در مورد آنها کم یابیش چیزهائی را نوشته اند و در سایت سیمای شغنان بمعرفی گرفته شده اند. ولی تعداد کثیری از این شخصیت ها، با در نظر داشت انبوعی از عوامل ، از چشم نازک بین و از قلم نویسنده های عزیز یا بدور مانده و یا تا هنوز به اصطلاح نوبت به آنها نرسیده است . به باور من، همه این مردان، هر کدام در زمان حیات ، خدمات شاهسته ئی را در عرصه های مختلف انجام داده اند و در جهت بهبود زندگی مردم ، قدمی برداشته اند، و یا درد و آلام مردم خویش را از طریق سرودن اشعار و مقالات و غیره بگوش ناشنوا ی حکام وقت رسانیده و به آیندگان شان بجا گذاشته اند. بناً دین ماست تابه اندازه توان

و معلومات خود، چیزی که ویا چیزی در مورد شان نگاشته و آنها را بمعرفی گیریم. صرف نظر از پرگوئی، با اظهار سپاس از صاحب امتیاز سایت سیمای شغنان، جناب سرور شاه (ارکان) میخوایم یکی دیگر از این مردان تاریخ را که خودش به معنویت پیوسته و یادش در خاطرات مانده است، و یقین دارم که بسیاری از دوستان خواننده، بویژه آنهایی که پنجاه سال بیشتر از بهار زندگی شان سپری نموده اند، و آن عده از شغنانی هایی که بیرون از شغنان تحصیل کرده اند، با نام و کارنامه هایش، آشنائی دارند، بمعرفی گیریم.

نامش محمد سلیم بیک فرزند عزیز بیک است. محمد سلیم بیک از جمله مردان معروف و نامدار تاریخ درخشان قریه درمارخت شغنان است که کارنامه های بسیاری از خود بجا گذاشته و درج تاریخ زرین شغنان نموده است وی در بین سالهای (۱۲۸۸ - ۱۳۵۲) هجری شمسی شش حیات بسر می برد و با تمام ناملایمی های دنیا و روزگار زمان بی دریغ و خستگی نا پذیر مبارزه کرد. او بنام قریدار محمد سلیم بیک مشهور بود، اگرچه در نزد کسی درس نخوانده بود، ولی به آموزش و فرا گرفتن علوم و دانش سخت علاقه وافر داشت، و همیشه با بزرگان و نخبه ها و اهل دانش آنر وزگار، می نشست و با آنها در مسائل مختلفی بخصوص مسائل دینی و مذهبی بحث و مباحثه مینمود. او همواره خوش داشت در مجالس و محافل بزرگان اشتراک کند و از سخنان شان بهره گیرد، تا روزی شود که خودش نیز مانند آنها اهل سخن باشد و تجارب خود را با دیگران شریک نماید.

وی از جمله قریداران نامدار قریه چون وکیل شهسوار، قریدار امام بیک و قریدار سلیمان بیک بود که مسایل و مشکلات قریه را خودشان حل و فصل میکردند و نمی گذاشتند تا مردم قریه به حکام حکومت مراجعه و روز ها هفته ها و ماه ها در دروازه حکومت منتظر باشند. و یا با دادن رشوه به حکمرانان وقت، دادخواهی کنند. مردم قریه هم، به آنها اعتماد داشتند و مطمئن بودند که حق را به حقدار میسرسانند. و یا اگر کاری به ادارات حکومتی مربوط می بود، مانند تحویلی گندم به گدام، کارهای بیگاری، ساختن سرک ها، وسایر ضمه داری های دولتی، او پیشا پیش مردمش قرار داشت. وی خوش داشت تا در محافل و مجالس دینی و مذهبی که از طریق رهبران دینی و مذهبی مانند (خلیفه ها و پیرها) برگزار میشد، اشتراک نماید، و همیشه در چنین مجالس از وی دعوت میگردد. تمام پیرها و خلیفه های شغنان با او معرفت داشتند، و هر وقتی که از قریه درمارخت میگذشتند، حتماً شب را در خانه محمد سلیم بیک، سپری میکردند. و اگر مهمانان نمی خواستند شب را سپری کنند، او خود از آنها میخواست و تقاضا میکرد تا حداقل شبی را با او بگذرانند و کتابی را برایش بخوانند، تا از آن

بهرمند و فیض یابد. او همچنان به شنیدن قصاید (مداح) که در آن درمورد نعت الله (ج) و حمد رسول الله (ص) و صفات ائمه اطهار با رباب و دف خوانده میشود و یکی از فرهنگ های قدیمی و باستانی اسماعیلیان بدخشان و بویژه شغنان است، علاقه فراوان داشت.

محمد سلیم بیک طوریکه در بالا گفته شد، مکتب نخوانده بود، ولی به مکتب و معارف علاقه فراوانی داشت. چنانچه با سعی و تلاش زیاد و چندین مرحله مراجعه به اداره انکشاف دهات در ولسوالی اشکاشم توانست امر و اجازه تأسیس یک باب مکتب ابتدائی تحت نام (مکتب ابتدائی مختلط درمارخت) را از طریق آن پروژه، در تابستان سال ۱۳۴۱ اخذ نماید. و در آن سال، شاگردان آن بطور امتحانی در فضای باز، در یک باغ که ملکیت شخصی (آخوند شاه نصیری) بود و توسط (آخوند میرافراز) که تعلیمات خصوصی داشت، بحیث معلم استخدام شده بود، شروع به آموزش نمودند. و در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی، این مکتب رسماً افتتاح و در یک مسجد که تعمیر خیلی کهنه داشت به تدریس ادامه داد. و از آن سال به بعد قریه درمارخت صاحب مکتب گردید. که سعی و تلاش محمد سلیم بیک در ایجاد این مکتب فراموش ناشدنی است، که امروزه از برکت آن، اطفال این قریه مانند سایر قریجات شغنان، از فیض علم و معارف بهره مند گردیده اند. و حالا این مکتب به لیسه ارتقا یافته و جوانان قریه اعم از ذکور و اناث بعد از فراغت از آن شامل دانشگاه های کشور میگرددند. چنانکه در حال حاضر ده ها تن از جوانان قریه، از دانشگاه های کشور در رشته های مختلف چون انجیری، طب، ژورنالزم، زراعت و ادبیات و غیره فارغ و به جامعه تقدیم و مصدر خدمت بوطن و مردم خود گردیده اند.

بیانگر شخصیت، علاقمندی آن بدانش، ادای مسئولیت در حل مشکلات مردم، مهمان نوازی و خدمتگذاری قریدار محمد سلیم بیک، مخمسی است از شاعری از دیار قریه درمارخت بنام (طالب) که از یک خانواده مذهبی سربرآورده بود، در ایامی که دوره مکلفیت عسکری اش را سپری می کرد، آن را سروده و عنوانی ملا دولت محمد، یکی از قصاید خوانان مشهور قریه درمارخت وقت، فرستاده و از ایشان تقاضا نموده تا این مخمس را هر صبح و شام بخواند.

## مخمس

صبحدم چون آفتاب از شرق تابان میشود      از نسیم صبح، بویی گل پریشان میشود  
آسمان از ظلمت شب پاک دامان میشود      بشکفت گل در چمن بلبل غزل خوان میشود  
تا زبان کلک مشکینم سخندان میشود

بعد حمد خالق رحمان پاک کردگار      یک زمان پیشم نشین و این حکایت گوشدار  
زینت گلزار میباید درختان انار      زیب ملکی ما بود محمد سلیم قریدار  
آدمی با عقل و فهم خویش انسان میشود

هر که راباشد ثبات و عز و تمکین و شرف      نام او مشهور گردد فی المثل در هر طرف  
زنده سازد نسبت اجداد فرزند خلف      دانه در زنده سازد در جهان نام صدف  
صافی هر چیز از جوهر نمایان میشود

شاد باد ارواح پاک قریدارانی قدیم      نام شان گویند ابراهیم و هم محمد عظیم  
زهره ای دشمن زگرو فرشان گشته دونیم      نام ایشان تازه کرده این زمان محمد سلیم  
مشکلات قوم اندر پیشش آسان میشود

مرد، میباید که کارد حق ز ناحق فرق کرد      هر که ناحق کرد آزاری کسی را نیست مرد  
هیچ وقتی مردم دانا نگردد روی زرد      ای عزیزم، تا توانی گرد بد اصلا ن مگرد  
آهن بد اصل، کی شمشیر بران میشود

تا که اندر قریداری بسته این آدم میان      راحت ایام گیتی شد به کام دوستان  
عالمان اهل دانش را بود او مهربان      روز و شب ها بهره مند است از طعامش  
مهمان

هر که دسترخوان وسیع کرد عاقبت خان میشود

آفرین بر این قد و قامت بر این فهم و کمال      با وجود عقل و دانش صاحب حُسن و جمال  
برد باروزیرک و خندان رخ و نیکو خصال      با بزرگان از حقیقت دایماً دارد سوال  
مرد عاقل باید و جویای عرفان میشود

حیف، حیف از اعتبار و اعتمادی این جهان      راستی و قدر دانش رفته از پیر و جوان  
عزت و حرمت نمانده در وجود دوستان      از وفاداران نمانده یک قلم نام و نشان  
از غم آخر زمان دل ها پریشان میشود

از من مسکین رسان دولت محمد را سلام      حفظ فرما این مخمس را بخوان هر صبح و شام  
در هزار و سه صد و هم بیست و سه گشته تمام      یک دو حرفی یاد گاری مان از ما والسلام  
تا که ( طالب ) لایقی انعام و احسان میشود

محمد سلیم بیک در سال ۱۳۵۲ در اثر مرضی که عاید حالش گردیده بود به عمر ۶۴ سالگی  
دنیای فانی را وداع نموده و به ابدیت پیوست. خداوند بهشت برین را مقامش گرداند و روح  
اش شاد و یادش گرامی باد. **انا لله وانا علیه راجعون**

ما گذشتیم و از ما یادی کن      تا نگردیم فراموش ز یاد  
یادش گرامی باد